

به نام پروردگاریت

علوم انسانی به مثابه تکنولوژی

از مجموعه پژوهش‌های «طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور»

علیرضا منصوری

علی پایا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۴۰۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۳۱۷۱۹۲

علوم انسانی به مثابه تکنولوژی

مؤلفان: علیرضا منصوری و علی پایا

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

ویراستار صوری: آیلین لازار

صفحه‌آرا: جابر شیخ محمدی

طراح جلد: فرزاد جلیلیان

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سفیر اردهال

قیمت: ۳۹۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: منصوری، علیرضا، ۱۳۵۳ -

عنوان و نام پدیدآور: علوم انسانی به مثابه تکنولوژی / علیرضا منصوری، علی پایا؛ ویراستار صوری آیلین لازار.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۷۷ص؛ ۵/۲۱×۱۴/۵س.م.

فروست: .. مجموعه پروژه‌های "طرح جامع اعتلای علوم انسانی".

شابک: 978-622-6304-97-9

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۶۹] - ۱۷۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: علوم انسانی، موضوع: Humanities

موضوع: علوم انسانی (اسلام)، موضوع: *Humanities (Islam)

موضوع: علوم و علوم انسانی، موضوع: Science and the humanities

شناسه افزوده: پایا، علی، ۱۳۳۲ -

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

شناسه افزوده: Institute of Humanites and Social Studies

رده بندی کنگره: AZ۱۰۱

رده بندی دیویی: ۰۰۱/۳

شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۸۴۳۴۲

وضعیت رکورد: فیبا

فهرست

۵	سخن پژوهشگاه
۱۱	پیشگفتار
۱۳	فصل اول: مقدمه
۲۳	فصل دوم: رابطه علوم انسانی و تکنولوژی
۲۴	دووجه علمی و تکنولوژیک علوم انسانی
۳۴	رابطه هم افزایانه تکنولوژی ها
۳۶	ارتباط نامتقارن وجه علمی علوم انسانی با تکنولوژی
۳۹	اهمیت نقش نقادانه وجه علمی علوم انسانی برای تکنولوژی ها
۴۶	نتیجه: عقلانیت تکنولوژی
۴۷	بحث تکمیلی
۶۷	فصل سوم: نیهیلیسم و تکنولوژی اطلاعات
۷۳	نیهیلیسم و تکنولوژی اطلاعات
۸۰	اهمیت کنترل درونی در تکنولوژی اطلاعات
۸۵	درمان نیهیلیسم با تعهدات بی قید و شرط
۸۷	معضل تعهدات غیرمشروط
۹۴	کنترل مدنی تکنولوژی اطلاعات
۹۸	نتیجه

۴ علوم انسانی به مثابه تکنولوژی

۱۰۱	فصل چهارم: فقه به مثابه تکنولوژی: استلزامات و تبعات
۱۰۱	تأملی درباره جایگاه فقه از منظر معرفت‌شناسی
۱۱۳	آیا تکنولوژی فقه، توانایی به‌روزشدن را دارد؟
۱۲۰	فقه و ایجاد نوعی سبک زندگی در جامعه
۱۲۶	نقدپذیری احکام فقهی
۱۳۲	فقه، قدرت و اخلاق
۱۳۸	نتیجه
۱۳۹	بحث تکمیلی
۱۶۰	فصل پنجم: توصیه‌های سیاست‌گذارانه
۱۶۹	منابع
۱۶۹	منابع انگلیسی
۱۷۳	منابع فارسی

سخن پژوهشگاه

کتاب حاضر یکی از آثار برگرفته از طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور است که اکنون به محضر ارباب معرفت تقدیم می‌گردد.

طرح جامع اعتلا مجموعه پروژه‌هایی به هم پیوسته و مسئله محور است که بر مبنای منشور پژوهشگاه در سال‌های اخیر مبنی بر درپیش گرفتن رهیافت بومی و کاربردی سازی علوم انسانی شکل گرفته و بر پایه خرد جمعی و تعاطی افکار خبرگان، نخست طی یک سال و نیم، از گذرگاه انجام فاز مطالعاتی و تدوین RFP عبور کرده سپس وارد اجرای طرح‌ها شده است.

این طرح کلان بر پایه این منطق شکل گرفت که برای بومی سازی و کاربردی سازی علوم انسانی لازم است سه مقوله مهم به صورت متمایز کاویده شوند و نهایتاً از همه طرح‌ها تلفیق صورت گیرد.

۱. مبانی و ریشه‌های علوم انسانی جدید ارزیابی و نقد شوند. (کارگروه مبانی)
۲. قلمرو و فرایند شکل‌گیری و سیر تاریخ ورود و استقرار این رشته‌ها در ایران نظرافکننده شود و نقد گردد. (کارگروه بازشناسی انتقادی و تاریخ)
۳. شیوه‌ها و مظاهر کاربست آن‌ها و تعامل این رشته‌ها با جامعه ایران در چرخه ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. (کارگروه کاربست)

از گذرگاه این کندوکاوها، اتصال یا عدم پیوند آن با گنجینه‌های میراثی و تناسب یا تغایر احتمالی آن‌ها نسبت به نیازهای جامعه امروز روشن می‌شود. از سوی دیگر، این طرح‌ها با تکیه بر میراث‌های فرهنگ بومی و دینی و با پشتوانه

بهره‌گیری از مطالعات جهانی و ملی و به صورت شبکه برنامه محصول‌گرا و هم‌افزایانه شکل یافته‌اند و با رویکرد بین‌رشته‌ای و با مشارکت محققان توانای پژوهشگاه و صاحب‌نظران سرآمد سطح ملی تدوین شده‌اند.

امید می‌رود با انجام این طرح‌ها یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مبنی بر استقلال فکری و رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری در این باره پی‌جویی شود. طرح‌های اعتلا برای تحقق هدف یادشده با رویکرد ایجاد پیوند میان نظریه و عمل، می‌کوشد تا اثربخشی و سودمندی علوم انسانی را معطوف به پیشرفت کشور مبنی بر مؤلفه‌های بومی‌گرایی متعین نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مسیر تحقق بخش‌هایی از اسناد بالادستی و پی‌جویی مأموریت ویژه هیئت‌امنا و با مساعدت سازمان برنامه و بودجه، طرح اعتلا را برای استقرار عینی شبکه نخبگانی علوم انسانی کشور طراحی کرده و به اجرا درآورده است.

پژوهشگاه به فضل الهی در نظر دارد به تدریج پس از انتشار مجلدات حاضر در این مرحله و هم‌زمان با متنوع‌سازی نشر محصولات طرح‌ها (از طریق گزارش‌های راهبردی، توصیه‌های سیاسی، گزارش‌های علمی ملی، بسته‌های خدمات تخصصی و مشاوره‌ای، جستارهای علمی و فنی، مقاله‌های علمی-پژوهشی، علمی-تخصصی، هم‌اندیشی‌های نخبگانی و سخنرانی‌های علمی و...) مابقی نتایج پژوهش‌ها را نیز به صورت کتاب آماده نشر سازد.

اصولاً یکی از شاخص‌های مهم که می‌تواند نشانه توفیق یک نهاد پژوهشی، به‌ویژه در قلمرو علوم انسانی باشد، اجرای طرح‌های شاخص، هم‌گرا، مسئله‌مند و ناظر به چالش‌های اجتماعی و اثرگذار در عرصه سیاست‌گذاری‌هاست که بتواند در شرایط کنونی در حقیقت مؤسسه پژوهشی را به جرگه نسل چهارم نهادهای علمی وارد سازد. تعریف و اجرای طرح اعتلا به

سخن پژوهشگاه ۷

همین منظور در مسیر تحقق قسمتی از چشم انداز و مأموریت روشن پژوهشگاه، مندرج در برنامه توسعه راهبردی آن، به شمار می آید که برای نخستین بار در تاریخ پژوهشگاه برنامه توسعه تعریف و اجرا شده است و بخشی از دستاوردهای آن کتاب های مجموعه طرح های اعتلای علوم انسانی است.

در فرایند تعریف و اجرای طرح جامع اعتلا، به لطف الهی، فرصت ارتقای کیفیت علمی طرح ها و توانمندسازی و تقویت زیرساخت ها در پژوهشگاه دوچندان شده است، چنان که طی این سال ها و به موازات اجرای این طرح کلان، مشارکت بالنده تعداد کثیری از اعضای محترم هیئت علمی در اجرای طرح مذکور و رسیدن تولید سرانه علم به رشد بیش از دو برابری و رشد بیش از پنج برابری نقد متون دانشگاهی و رشد فزاینده تولید و نشر مقالات و جستارهای انتقادی و انتشار فصل نامه های با کیفیت پژوهشی، برنده شدن سه سال پیاپی در جشنواره نقد سال و برگزیده شدن مکرر در جشنواره بین المللی فارابی و ده ها جشنواره ملی دیگر، صعود بیش از چهارصد پله ای پرتال در رده بندی جهانی الکسا، تأسیس قطب علمی، ارائه نظریه علوم انسانی در سطح ملی و رشد چشمگیر فعالیت های حوزه ترویجی سازی علم و تحقق شبکه نخبگانی سه هزار نفره متشکل از استادان صاحب نظر از سراسر کشور، شواهدی از این ظرفیت سازی و ارتقای توانمندی به شمار می آید.

بدیهی است با همه مزیت های این مجموعه طرح ها و آثار، بخش هایی از این کتاب ها خالی از خلل و عاری از کاستی نباشد، یقیناً اهل نظر با نقد ناصحانه و راهنمایی های راهگشای ایجابی خود پژوهشگاه را برای قوام و مایه وری بیشتر این آثار در چاپ های بعدی مدد خواهند رساند.

در پایان، ضمن سپاسگزاری به درگاه حق تعالی و ابراز مسرت از پی جویی دغدغه استاد زنده یاد دکتر صادق آینه وند (ره) در منشور ایشان مبنی بر

«اتصال به ریشه انطباق با زمان» یادآور می‌شود این مجموعه مرهون حمایت وزیران محترم جناب دکتر فرجی‌دانا، دکتر فرهادی و دکتر غلامی و اعضای محترم هیئت محترم امنای و سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان محترم ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی از یک سو و اهتمام همه همکاران طرح جامع اعتلا، شامل اعضای محترم شورای پژوهشی پژوهشگاه، کمیته علمی طرح اعتلا، جانشین رئیس و رئیس دبیرخانه طرح اعتلا، مجریان محترم طرح‌ها، مدیران کارگروه‌ها، شورای مشاوران، اعضای محترم کارگروه‌های تخصصی و کلیه محققان و ناظران علمی و داوران طرح‌های پژوهشی و کارشناسان از سوی دیگر است. لذا سزاوار به نظر می‌رسد سپاسگزار همه آنان باشیم؛ به ویژه جناب آقای دکتر سید محمد رضا امیری طهرانی زاده، سرکار خانم دکتر طاهره کمالی زاده، جناب آقای دکتر یحیی فوزی، جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی، جناب آقای دکتر مهدی معین زاده، جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسنی فر، جناب آقای دکتر حمید تنکابنی، جناب آقای مهندس فرامرز حق شناس، جناب آقای دکتر فرهاد زیویار، جناب آقای دکتر عباس خلجی، جناب آقای دکتر عبدالله قنبرلو، جناب آقای دکتر سید محمد رحیم ربانی زاده، جناب آقای دکتر سید سجاد علم الهدی، جناب آقای دکتر سید محسن علوی پور، جناب آقای محمد علی مینایی، جناب آقای بهرنگ ذوالفقاری و تمامی اعضای محترم شورای دبیرخانه و مشاوران و کارشناسان محترم طرح. همچنین باید از جناب آقای دکتر یدالله رفیعی مدیر محترم نشر و همه همکاران گرامی ایشان در انتشارات پژوهشگاه تشکر کنم. اگرچه بزرگان و مفاخر و اعضای معزز هیئت علمی فراوان دیگری در بخش‌های گوناگون و در مراحل مختلف مدد رسان بودند که ذکر نام این شخصیت‌ها و محققان، که بیش از صد تن را شامل می‌شود، متأسفانه در این مجال اندک میسر نیست.

سخن پژوهشگاه ۹

امید می‌رود به لطف خداوند این حرکت فرخنده پژوهشی و علمی بتواند ضمن تقویت اثربخشی علوم انسانی و پیوند پژوهش و اجرا در کشور، راهگشای بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های علوم انسانی به شمار آید و انتشار مجلدات بعدی گزارش‌های طرح اعتلا گامی در مسیر پیشرفت و بالندگی ایران اسلامی باشد.

حسینعلی قبادی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و

رئیس طرح اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور

پیشگفتار

کتاب حاضر یکی از محصولات طرحی پژوهشی است با عنوان «علوم انسانی به‌منزلهٔ تکنولوژی: فرصت‌ها و تهدیدها» که ذیل طرح جامع اعتلای علوم انسانی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به انجام رسیده است. در دو فصل ابتدایی کتاب توضیح می‌دهیم که وجه علمی و وجه تکنولوژیک علوم انسانی چطور باهم و با سایر تکنولوژی‌ها در ارتباط‌اند و از این رهگذر چارچوبی نظری برای تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای علوم انسانی به‌مثابهٔ تکنولوژی ارائه می‌کنیم. سپس در فصل‌های بعدی با استفاده از این چارچوب نظری، دو تکنولوژی را مورد بررسی قرار می‌دهیم: «تکنولوژی اطلاعات و دیگری فقه». در فصل سوم توضیح می‌دهیم که چگونه علوم انسانی همچون علوم طبیعی با کمک به کشف لایه‌های عمیق‌تر واقعیت، نه تنها به ما ظرفیت‌های جدیدی از واقعیت را نشان می‌دهد، بلکه ابعاد جدیدی از خطرات تکنولوژی‌های موجود (در اینجا تکنولوژی اطلاعات مدنظر است) را روشن می‌سازد. در فصل چهارم به بررسی تبعات و استلزامات در نظر گرفتن فقه به‌مثابهٔ تکنولوژی می‌پردازیم. در خصوص چرایی «تکنولوژی بودن فقه» قبلاً در آثار دیگری، که در متن کتاب به آن‌ها ارجاع شده، بحث شده است؛ در اینجا ضمن تکمیل آن استدلال‌ها، بیشتر به تبعات مهم چنین نگرشی می‌پردازیم. در فصل پنجم نیز با ملاحظاتی برخی از توصیه‌های سیاست‌گذاران را ارائه می‌کنیم.

اغلب فصول کتاب در قالب مقالات در نشریات علمی - پژوهشی منتشر شده است که در جای خود به آن اشاره شده است. درخصوص برخی از این فصول بحث‌ها و گفت‌وگوهای نقادانه نیز صورت گرفته است که آوردن همه آنها پیوستگی مطالب را به هم می‌زند. به همین دلیل این بحث‌ها را برای خواننده علاقه‌مند در انتهای هر فصل قرار دادیم تا ابعاد مختلف مسئله روشن شود و در عین حال به پیوستگی مطلب صدمه نزند.

علی پایا

مرکز تحقیقات سیاست علمی
کشور؛ کالج اسلامی لندن
(وابسته به دانشگاه میدلسکس)

علیرضا منصوری

پژوهشگاه علوم انسانی
و مطالعات فرهنگی

فصل اول

مقدمه

در فضای فکری جامعه ما بسیار از نقش و کاربرد علوم انسانی پرسش می‌شود. بسیاری خواستار آن‌اند که نقش علوم انسانی در جهت‌دهی علوم و تکنولوژی‌های جدید مورد توجه قرار گیرد. بررسی این مسائل مستلزم این است که در وهله اول از نظر معرفت‌شناختی تفاوت علوم انسانی نظری و تکنولوژی‌های انسانی مشخص شود. خلط این دو ساحت، تبعات نامطلوبی را در سیاست‌گذاری درباره علوم انسانی به بار می‌آورد. می‌توان نشان داد که ملاحظات مربوط به چگونگی رابطه علم و تکنولوژی، یکی از معضلات و ایرادهای سیاست‌گذاری‌ها در زمینه علم و تکنولوژی است که به فاصله پژوهش و نهادهای اجرایی دامن زده است. به علاوه شناخت تکنولوژی‌های انسانی و بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از آن روشن می‌کند که چگونه تکنولوژی‌های انسانی می‌تواند از طریق تأسیس نهادها و شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه علوم انسانی و پدیدآوردن سیستم‌های اجتماعی-تکنیکی نقش مهندسی اجتماعی را در سیاست‌گذاری‌ها و جهت‌دهی به علوم و تکنولوژی‌های جدید ایفا کند.

تکنولوژی‌های انسانی از رهگذر تأسیس و مهندسی نهادها موجب اعمال قدرت می‌شود، که این امر در ارتباط با مسئله نسبت علوم انسانی و قدرت قرار می‌گیرد که خود پدیدآورنده فرصت‌ها و تهدیدهایی است که باید مورد توجه

قرار گیرد، تا تکنولوژی‌های اجتماعی در خدمت کاستن از رنج و ایجاد امنیت برای مردم باشد، نه ابزاری برای اعمال قدرت در جهت منافع نخبگان. علوم انسانی در مقام تکنولوژی در تمایز با علوم انسانی محض، ناظر به اعمال تغییرات مختلف در حوزه‌ها و موقعیت‌های مختلف انسانی و نیز خلق موقعیت‌های نوپدید در قلمرویی است که از آن با عنوان «وضع و حال انسانی»^۱ نام می‌برند. در ادبیات فنی مربوط به علوم انسانی در مقام تکنولوژی، از عنوان «تکنولوژی‌های انسانی» برای نامیدن این برساخته‌های خاص استفاده می‌شود. تکنولوژی‌های انسانی نظیر همه دیگر تکنولوژی‌ها، دو کارکرد اصلی دارند: «به آدمیان در رفع نیازهای غیر معرفتی‌شان مدد می‌رسانند و همچنین به منزله ابزار فرایند تکاپوی معرفتی، شناخت واقعیت را تسهیل می‌کنند». به عنوان مثال، تکنولوژی‌های انسانی در تأسیس نهادها و تکنولوژی‌های اجتماعی نقشی اساسی ایفا می‌کنند. این نهادها می‌توانند فرصت‌های خوبی برای تحولات و تغییرات در جهت رفاه و توسعه و کاستن از رنج‌های انسانی ایجاد کنند. تکنولوژی‌های انسانی از نتایج دستاوردهای نظری علوم انسانی بهره می‌گیرند. در عین حال کسانی که در قلمرو تکنولوژی‌های انسانی فعالیت دارند، از شرم و بصیرتی عملی، که لازمه استفاده بهینه از تکنولوژی‌هاست، برخوردارند (یا می‌باید واجد چنین توانایی باشند). کاربرد تکنولوژی‌های انسانی (و نیز تکنولوژی‌های قرین آن، که با عنوان «تکنولوژی‌های اجتماعی» شناخته می‌شوند،^۲ یعنی تکنولوژی‌هایی که از

1. The Human Condition

۲. تکنولوژی‌های انسانی (و اجتماعی) آن دسته از برساخته‌های بشری‌اند که برای حل مسائل عملی ناظر به وضع و حال‌ها و شرایط انسانی ابداع می‌گردند و به کار گرفته می‌شوند. این تکنولوژی‌ها به همراه تکنولوژی‌های اجتماعی، همه عرصه‌های روانی و شخصی و اجتماعی را در بر می‌گیرند و به قلمروهای مختلف در این عرصه‌ها از جمله قلمروهای آموزشی و سیاسی و مدیریتی و حقوقی و فرهنگی و اقتصادی و... اعمال می‌شوند.

محصولات نظری علوم اجتماعی بهره می‌گیرند) ممکن است به نتایج غیرمنتظره یا عوارض نامطلوبی بیانجامد. راه مقابله با این نوع نتایج ناخواسته که امکان ظهورشان از رهگذر به کارگیری هر نوع تکنولوژی (در یکی از قلمروهای متنوع آن، خواه تکنولوژی‌های انسانی و اجتماعی که عموماً تکنولوژی‌های نرم به شمار می‌آیند و خواه تکنولوژی‌های سخت) وجود دارد، علاوه بر کوشش برای شناخت آن‌ها (تأحداً امکان)، ایجاد شرایطی مناسب نظیر طراحی تورهای ایمنی و یا تمهید مقدمات درخور برای مواجهه با تبعات مورد اشاره در صورت وقوع آن‌هاست.

بررسی نسبت علوم انسانی و پیشرفت مستلزم این است که اولاً به تفاوت «پیشرفت» در علوم و تکنولوژی توجه شود و ثانیاً نقش هر یک از علوم انسانی محض و تکنولوژی‌های انسانی در این دو تلقی از پیشرفت، مشخص شود. از آنجاکه ریشه بسیاری از مسائل علمی در متافیزیک است و صورت‌بندی مسائل فناورانه، ریشه در سبک زندگی آدمیان دارد؛ این ملاحظات باید در تلقی ما از پیشرفت نیز انعکاس یابد. به علاوه از آنجاکه یک قسمت از پیشرفت، درگیر با مسئله انتقال دانش و تکنولوژی است و انتقال دانش و تکنولوژی را می‌توان نوعی تکنولوژی اجتماعی دانست، به تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان و ایجاد سیستم‌های اجتماعیتکنیکی نیاز است که با در نظر گرفتن ملاحظات و الگوهای هوشمندانه بتواند با کارکردی مناسب و ایمن نیاز به انتقال تکنولوژی و دانش را تحقق بخشد.

این اندیشه‌ها می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های کلان در رابطه با علوم انسانی و تکنولوژی‌های اجتماعی به کار آید. خصوصاً و به‌طور مشخص در طراحی الگوی اسلامی ایرانی، در طراحی و اصلاح سندهای راهبردی مثل چشم‌اندازها و استراتژی‌های کلان. بنابراین تلاش‌های فکری در این زمینه می‌تواند مورد استفاده مؤسسات و سازمان‌های ذی‌ربطی باشد که به‌طریقی

مسئولیت سیاست‌گذاری‌های کلان را درخصوص علم و تکنولوژی به عهده دارند، تا از آن در طرح‌ریزی مبانی نظری خود بهره ببرند - مثل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورای عالی انقلاب فرهنگی، آموزش و پرورش، مرکز تحقیقات سیاست‌های راهبردی ریاست جمهوری و سازمان برنامه و بودجه. البته این تحقیق خود مستقیماً به تنظیم قواعد و قوانین نمی‌پردازد ولی قیدها و شرایطی را برای هر سیاست‌گذاری مطلوب ارائه می‌کند. همچنین لازم به ذکر است که از پژوهشی فلسفی و نظری نباید انتظار برنامه‌مدیریتی داشت. این مسئله از قضا یکی از مباحث نظری مورد تأکید در همین پژوهش است که رابطه‌ی علمی مانند فلسفه با تکنولوژی‌های انسانی، که مدیریت و برنامه‌ریزی در زمره آن‌هاست، رابطه‌ای تولیدی و منطقی ندارند. علمی که فلسفه نیز در شمار آنان است با نیازهای معرفتی پاسخ می‌گویند و شأن واقع‌نمایی دارند. تکنولوژی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در زمره تکنولوژی‌اند که به کار تغییر «واقعیت» مشغول‌اند. علوم انسانی به ماهیت و علم و از جمله فلسفه می‌توانند با شناخت عمیق‌تر واقعیت، ظرفیت‌های جدیدی از واقعیت را معرفی کنند؛ آن‌ها همچنین می‌توانند با شناسایی ظرفیت‌های واقعیت، به کار نقد تکنولوژی بیایند.

امیدواریم این کتاب بتواند تمهیدی مناسب برای تکنولوژی‌های انسانی (و اجتماعی) فراهم کند، تا بتوان هم از فرصت‌های حاصل از آن برای بهینه‌سازی شرایط زیست افراد و کاستن از آلام آنان و نیز تسهیل تکاپوهای نظری و رشد معرفت بهره‌مند شد. مسلماً در تولید تکنولوژی‌های انسانی و استفاده بهینه از یافته‌های علوم انسانی برای تربیت کسانی که در کار توسعه تکنولوژی‌های انسانی یا کاربرد آنها هستند، در عمل باید ملاحظات بومی و منطقه‌ای را رعایت کرد تا تحقق کارکردها به صورت مؤثر و با کمترین تنش و هزینه اجتماعی صورت گیرد. یکی از اهداف تحقیق این است که توضیح

دهد در بُعد نظری چه ملاحظاتی را باید در نظر گرفت که فرایند تحقق کارکردها با کمترین هزینه اقتصادی و انسانی صورت گیرد و در پیش گرفتن چه رویکردهایی موجب هزینه‌های زیاد می‌شود. یکی از ملاحظات تأثیرگذار در این زمینه چنان که گفته شد، تفاوت وجه علمی و تکنولوژیک علوم انسانی و تبیین رابطه علوم انسانی با تکنولوژی‌هاست. خلط این دو حوزه، موجب بروز بدفهمی‌هایی در سیاست‌گذاری‌ها و تنظیم سند‌های مدیریتی برای توسعه علمی کشور شده است. پروژهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و طراحی الگوی اسلامی-ایرانی توسعه باید به چنین ملاحظات نظری توجه داشته باشد تا در وهله اول شناخت درستی از نقش و جایگاه دو وجه علمی و تکنولوژیک علوم انسانی و نحوه تأثیر آن بر طراحی و نقد تکنولوژی‌های صنعتی و انسانی داشته باشد. به این منظور قسمتی از کتاب حاضر به تبیین «رابطه علوم انسانی و تکنولوژی» می‌پردازد.

در این کتاب می‌خواهیم با بهره‌گیری از آموزه‌های عقلانیت نقاد، اولاً رویکرد مناسبی برای رشد بهینه علوم انسانی ارائه کنیم و ثانیاً شیوه‌هایی کارآمد برای بهره‌گیری از تکنولوژی‌های انسانی و اجتماعی عرضه کنیم که بتوان با استفاده از آنها در جهت بهبودبخشی از قلمرو «وضع و حال و شرایط انسانی» و کمک به شکوفا ساختن ظرفیت‌های مثبت کنش‌گران انسانی و کاستن از آلام آدمیان گام‌های مؤثری برداشت و در عین حال برای پاسخگویی به تهدیدهای احتمالی ناشی از نتایج ناخواسته و غیرمنتظره، آگاهی و آمادگی لازم را کسب کرد. به همین منظور است که در بخش‌هایی از کتاب به تحلیل جایگاه معرفت‌شناختی یکی از تکنولوژی‌های بسیار مؤثر در جامعه اسلامی یعنی «فقه» می‌پردازیم. یکی از نویسندگان «علی‌پایا» در مقالات و مراجع قبلی خود به معرفی این ایده پرداخته است که فقه نوعی مهندسی است. در یکی از فصل‌های کتاب «تبعات» این نگرش کاویده می‌شود و از طریق آن نشان داده

می‌شود که چگونه این تکنولوژی مانند تکنولوژی‌های دیگر نیازمند نقد مداوم و توجه به ملاحظات موضعی و محلی است؛ چه فرصت‌هایی ایجاد می‌کند و چه تهدیدهایی ممکن است در به کارگیری نادرست آن وجود داشته باشد.

مطالعه دیگری که در همین راستا مورد توجه قرار گرفته است، توجه به «کنترل تکنولوژی اطلاعات» است که امروزه طیف وسیعی از امور روزمره ما با آن درگیر است. تکنولوژی‌ها در عین فرصت‌هایی که ایجاد می‌کنند، می‌توانند در بردارنده خطراتی باشند. شناخت لایه‌های مختلف ابعاد خطرآفرین تکنولوژی اطلاعات با عنایت به اهمیت و گسترش و تأثیر آن از مدت‌ها مورد توجه اندیشمندان بوده است. نمونه‌ای از توجه به برخی تبعات مخاطره‌آمیز این تکنولوژی، که در نظر اول به چشم نمی‌آید، در اثر درایفوس^۱ به نام «درباره اینترنت» دیده می‌شود. او متأثر از کی‌یرکگور^۲ به مخاطرات وجودی (اگزیستانسیالیستی^۳)، که تکنولوژی اطلاعات از جمله اینترنت می‌تواند ایجاد کند، توجه داشته است. در فصل سوم ضمن توضیح آن در قالب بحث «نیهیلیسم^۴ و تکنولوژی اطلاعات» نگرشی نقادانه به رویکرد درایفوس به تکنولوژی اطلاعات ارائه می‌شود و راه‌حل‌های بدیلی با عنایت به آموزه‌های رویکرد عقلانیت نقاد ارائه می‌شود. توضیح داده می‌شود که رویکرد کی‌یرکگور - درایفوس در عین اینکه از زاویه جدیدی نوری بر تکنولوژی اطلاعات می‌اندازد، می‌تواند چه مخاطراتی نیز در برداشته باشد.

این پژوهش با رویکرد عقلانیت نقاد انجام می‌شود. در رویکرد عقلانیت نقاد کار تحقیق با مشاهده و گردآوری داده‌ها شروع نمی‌شود. این رویکرد مسئله‌محور است و نقطه شروع در این رویکرد مسائل است، نه موضوعات یا

-
1. Dreyfus
 2. Kierkegaard
 3. Existentialist
 4. Nihilism

مشاهدات. در رویکرد عقلانیت نقاد پژوهشگر با صورت‌بندی مسئله شروع می‌کند - از مشاهده شروع نمی‌کند - و پس از آن با حدس و بازسازی موقعیت مسئله تلاش می‌کند طرح و نظریه‌ای برای حل مسئله مورد نظر حدس بزند. این حدس باید هر چه بیشتر نقدپذیر باشد تا بتوان آن را با فنون و ابزارهای نقد مختلف مثل تجربه یا تحلیل استدلالی و منطقی و بررسی میزان سازگاری با نظریه‌ها و پیش‌فرض‌های قبلی سنجید. این نقدها منجر به مسائل جدیدی خواهد شد که باید دوباره آن مسائل یا نظریه مورد نظر را اصلاح کرد و یا اساساً نظریه جدیدی ارائه کرد. البته محقق در تمام مراحل صورت‌بندی و بازسازی موقعیت و شرایط مسئله و راه‌حل آن، متکی و گرفتار پیش‌فرض‌های آگاهانه و ناآگاهانه خود است. به همین دلیل، افراد مختلف با پیش‌فرض‌های مختلف ممکن است صورت‌بندی‌های مسئله‌ای مختلف و یا راه‌حل‌های متفاوتی را ارائه کنند. نکته مهم اینجاست که در همه مراحل، محصولات نظری باید قابل نقد و بررسی و بحث باشند ولی رسیدن به یک راه‌حل نهایی مورد توافق همه شرط نیست - هرچند باید برای آن تلاش کرد و نسبت به آن خوش بین بود.

با این رویکرد ابتدا به تحلیل این امر می‌پردازیم که تکنولوژی‌های انسانی چه نوع برساخته‌هایی هستند و کدام کارکردها را واجدند و اساساً چگونه امکان‌پذیرند. در گام بعدی به بررسی نقادانه دیدگاه‌های مکاتب رایج و مهمی که درباره علوم انسانی سخن گفته‌اند، خواهیم پرداخت و علی‌الخصوص می‌کوشیم نشان دهیم که بسیاری از دیدگاه‌های رایج، گرفتار خلط علم با تکنولوژی هستند و یا علوم انسانی نظری و تکنولوژی‌های انسانی را به درستی تفکیک نکرده‌اند. در قدم بعدی تلاش می‌کنیم توضیح دهیم که چه رابطه‌ای بین علوم انسانی محض و تکنولوژی‌های انسانی و اجتماعی وجود دارد.

با مشخص شدن این تفکیک‌ها به این مسئله می‌پردازیم که چرا در به کارگیری تکنولوژی‌های انسانی و اجتماعی ملاحظات محلی تأثیرگذار است و نقش «معیارها و شاخص‌ها» در بهره‌گیری از تکنولوژی‌ها چیست و چگونه و با چه فرایندی باید ابداع، تعریف و اعمال شوند. در نهایت تلاش می‌کنیم این ملاحظات را در قالب آموزه‌هایی برای تأسیس و اصلاح نهادهایی مثل شرکت‌های دانش‌بنیان ارائه کنیم.

به طور خلاصه، عقلانیتِ نقاد تلقی جدیدی از عقلانیت و عینیت و نقش صدق در تکاپوهای معرفتی ارائه می‌کند که تبعات مهمی در شناخت علوم انسانی محض و مهندسی اجتماعی و یا تکنولوژی‌های انسانی (و نیز تکنولوژی‌های اجتماعی) دارد. در رویکرد عقلانیتِ نقاد، موجه‌گرایی^۱ در معرفت‌شناسی نه ممکن است و نه مطلوب؛ تلاش برای ایجاد زمینه مناسب برای گفت‌وگوی نقادانه از محورهای اصلی این رویکرد است. می‌توان به نحو مستدل نشان داد که به کارگیری آموزه‌ها و ملاحظات عقلانیت نقاد هم از بُعد نظری، تصویری منسجم‌تر از رقبا درباره مبانی علوم انسانی محض و تکنولوژی‌های انسانی و نسبت آن‌ها با هم و همچنین نسبت آن‌ها با علوم طبیعی و تکنولوژی‌های سخت به دست می‌دهد و هم تبعات مهمی از جهت مشارکت مسئولانه و دموکراتیک مردم در سیاست‌گذاری درباره علم و تکنولوژی‌های انسانی و اجتماعی و نیز کاستن از تبعات نامطلوب به کارگیری این تکنولوژی‌ها، دارد. با یاری از آموزه‌های عقلانیت نقاد می‌توان نشان داد که بسیاری از رویکردهای نسبی‌گرایانه، ابزارانگارانه، پوزیتیویستی، یا حتی رویکردهای تفهومی و هرمنیوتیکی^۲، در عین اختلاف‌های ظاهراً عمیقی که با

۱. مقصود از موجه‌گرایی، این مدعاست که تنها آن دسته از دعاوی معرفتی که به طریقی موجه شده باشند، عقلاً قابل قبول‌اند.